جوکار رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس:

به قالیباف گفتیم تشکیل سازمان ملی مهاجرت در دستور کار مجلس یازدهم قرار گیرد، اما نشد

سرویس سیاسی –رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس گفت:به رئیس مجلس گفتیم بررسی تشکیل سازمان ملی مهاجرت در دستور کار قرار گیرد؛ اما قرار نگرفت. حتی بحث کفالت را مطرح کردیم که یک ایرانی کفیل شود و مسئولیت های اجتماعی، آموزشی و امنیتی را فرد را بر عهده بگیرد و فرد در اینجا راحت کارش را انجام دهد اما بررسی نشد که انشاالله مجلس آینده در مورد آن تصمیم بگیرد.

محمدصالح جوکار درباره انتقاداتی که نسبت به ساماندهی اتباع بیگانه در کشور وجود دارد و آخرین وضعیت سازمان ملی مهاجرت گفت: سازمان ملی مهاجرت یکی از سازمان‌هایی است که بسیاری از دستگاه‌ها روی آن حرف دارند و ذی نفع هستند. رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور عنوان کرد: ذی نفعی این دستگاه‌ها موجب می شود ورود پیدا کنند لذا دولت و وزارت کشور با آن چیزی که به مجلس آمد موافق بودند؛ نظر همه را گرفتیم و نهایتا به صحن آمد اما با رایزنی‌هایی که شد آن را مطرح نکردند .

وی یادآور شد: درباره کلیاتش (سازمان ملی مهاجرت) یک چیزی در برنامه هفتم آوردند و تصویب کردند اما آن کفایت نمی کند زیرا ما اعتقاد داریم چارچوب کار، ساختار و شورای راهبری همه این‌ها باید در قانون مشخص شود، یعنی یک کاری که قانون‌مند و پاسخگو باشد و نظرات همه نهادها و دستگاه ها را برآورده کند.

این نماینده مجلس با اشاره به این که ما با رئیس مجلس صحبت کردیم که بررسی تشکیل سازمان ملی مهاجرت در همین مجلس در دستور کار قرار گیرد و تصویب شود، اظهار داشت: این اتفاق نیفتاد و در دستور کار نیامد. دولت لایحه داد خود مجلس هم طرح ساماندهی را داشت و ما این دو را ادغام کردیم دولت هم موافق کرد اما نمی‌دانم علتش چه بود که متاسفانه در دستور کار قرار نگرفت. وی درباره این‌که افکار عمومی مطرح می‌کند چرا درباره حضور اتباع بیگانه در کشور ضعف نظارتی وجود دارد، گفت: اتباع خارجی برای کار، تحصیل، سرمایه گذاری و امورات مختلف به کشور ما می‌آیند اما یقینا باید شناسنامه و هویتی داشته باشند و در سامانه‌ای ثبت شوند. حتی بحث کفالت را مطرح کردیم که یک ایرانی کفیل شود و مسئولیت های اجتماعی، آموزشی و امنیتی را فرد را بر عهده بگیرد و فرد در اینجا راحت کارش را انجام دهد اما بررسی نشد که انشاالله مجلس آینده در مورد آن تصمیم بگیرد.

پزشکیان حضور خود در انتخابات ریاست جمهوری را تایید کرد

سرویس سیاسی –«قصدم از شرکت در انتخابات افزایش مشارکت مردمی و آوردن برخی افراد پای صندوق‌های رای در شرایطی است که این تصور در سطح داخلی و بین المللی در مورد ایران وجود دارد که مردم با صندوق‌ها قهر هستند.

وی افزود: با حضور سلایق و افراد مختلف در شرایط دشوار کنونی می‌توان این مشارکت را افزایش داد آن هم در وضعیت دشوار کنونی که بدلیل فاجعه فقدان رییس جمهور به اجبار باید انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود.

نماینده مجلس شورای اسلامی بیان‌کرد: با توجه به همزمانی انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات شوراها در ادوار گذشته شاهد مشارکت عمومی بودیم و امروز که بخاطر شرایط ایجاد شده تنها شاهد انتخابات ریاست جمهوری خواهیم بود، حضور افراد و سلایق مختلف باعث باز شدن میدان رقابت و تغییر این نگاه می‌شود که در ایران تنها یک جریان حاکم است و به دنیا نشان می‌دهیم ک با حضور مردم در میدان، رای آن‌ها تعیین کننده خواهد بود.

پزشکیان تصریح کرد: آنچه که شخصاً دنبال آن هستم افزایش مشارکت است، اما اگر بتوانیم با شخصیت‌های مختلف اصولگرا و اصلاح طلب مشورت کنیم و این جو تقابل در کشور را به تعامل تبدیل کنیم، ارزشمند خواهد بود، چون زمانی موفق خواهیم بود که باهمدیگر مشارک و تعامل کنیم و میدان انتخابان میدان رقابت است و نه تعامل و آنچه تعیین کننده است سیاست‌های کلی نظام است که از سوی مقام معظم رهبری اعلام شده است.

وی ادامه داد: اگر این سیاست‌ها و قانون کلی برنامه خط مشی دولت‌ها باشد و به اجرای آن اهتمام کنند، در کشور با مشکلی روبرو نخواهیم شد و هر کسی که به دنبال رای مردم است باید این مهم را مد نظر داشته باشد و وعده‌های هر کسی را باید به نسبت پاسخگویی در مقابل این سیاست‌ها و اجرای آن‌ها مورد ارزیابی و پذیرش قرار دهیم و هر کسی با هر اسم و گرایشی باید از همان ابتدای پذیرش مسئولیت متعهد به اجرای سیاست‌های کلی نظام و منویات رهبری باشد، حتی اگر مذهبی و متدین هم نباشد.

پزشکیان در خصوص حمایت اصلاح‌طلبان از حضور وی در انتخابات پیش رو گفت: منتظر اعلام حضور چهره‌های اصلاح طلب هستم تا با بررسی وزن افراد حاضر با توجه به مقبولیت، توان و ظرفیت آن‌ها برای افزایش مشارکت نسبت به اجماع و یا ورود مستقل در این عرصه تصمیم‌گیری کنم.

وی خاطر نشان شد: هر دولتی که سر کار بیاید باید تعهد بدهد که مکلف به اجرای سیاست‌های کلی قانون برنامه است و مهمترین مشکل ما در کشور این است که حرف زده ایم، اما عمل نکرده ایم و نمی‌شود ابتدا یک مسیر و جهتی را به مردم نشان دهیم و بعد از چهار یا هشت سال بگوییم نتوانستیم و اگر اهل این میدان نیستیم و توان لازم را نداریم به جای اینکه آدم‌های خودمان را که فاقد علم و توانمندی‌های لازم نیستند بر راس امور قرار دهیم، از افراد دارای علم و تخصص را بر سر امور بگماریم، رویکردی که نتیجه آن نارضایتی چپ و راست و بیش از همه نارضایتی مردم شود.

وزیر دولت اصلاحات در مورد احتمال عدم تایید صلاحیت از سوی شورای نگهبان نیز اظهار داشت: وظیفه من حضور در عرصه انتخابات برای افزایش مشارکت است و در صورتی که تایید صلاحیت هم نشوم، با توجه به فرموده امام علی نه به دنبال دنیا هستیم و نه اگر چیزی را از ما بگیرند تاسف می‌خوریم، اما نیاز امروز جامعه، انسان‌هایی است که با ایجاد تعامل و همدلی در مسیر هدف‌های اصلی نظام حرکت کنند و مصمم به اجرای وعده‌های خود با بهره گیری از نیروها و افراد متخصص باشند.

ثبت نام کاندیداها و پارادوکس انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری

مهرداد خدیر

■ اینکه مردم می آیند یا نه، باید بررسی کنیم که چرا مشارکت های بالای ۵۰ ٪ و ۷۰ ٪ و ۸۰ درصدی به این وضع ناگوار رسیده است و اگر شرط، رضایت مردم باشد این در درجه اول نظام حکمرانی است که باید آنرا تامین کند.

در مورد انتخابات پیشین گفتم اگر مطالبی که رهبری در باب انتخابات گفتند که همه جریانها باید نامزد خود را داشته باشند و نیز این مطلب که عدم احراز صلاحیت معنی ندارد. با صلاحیت احراز می شود یا نمی شود همین هم اگر زودتر گفته شده بود و عملا هم زمینه اجرای آن فراهم می آمد جریانها می توانستند و می بایست فعالانه در انتخابات شرکت کنند. ولی وقتی شما نامزد مطلوب خود را ندارید طبعا زمینه‌ای هم برای شرکت نمی بینید.

سرویس سیاسی – پارادوکس قضیه در این است که از یک طرف تشییع‌های پرجمعیت اعتماد به نفسِ استمرارِ همان مسیر (اکتفا به نامزد یا نامزدهایَ معدود و محدود با امید به حضور هواداران) را افزایش داده تا جایی که محمد جواد لاریجانی فاتحانه در تلویزیون گفت "با این همه جمعیت در تشییع شهید رییسی حالا باید پرسید چه کسی می گفت دولتِ اقلیت" و از جانب دیگر این نگرانی هم وجود دارد چنانچه استمرار آن روش موجب برگزاری سرد انتخابات در ۸ تیر شود آن اندوختهٔ اجتماعی از کف برود و حضور انبوه به حساب مواجههٔ عاطفی – احساسی با یک تراژدی گذاشته شود و به کار بهره‌برداری سیاسی نیاید.

تنها ۴ روز دیگر ثبت نام داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری آغاز می‌شود. از ۱۰ تا ۱۵خرداد کاندیداها فرصت دارند ثبت نام کنند و تنها یک هفتهبعد اسامی نهایی اعلام می‌شود تا ۱۵ روز به تبلیغ بپردازند و بعد هم انتخابات برگزار و نهمین رییس جمهوری ایران معرفی شود.

مهم تر از این که چه کسانی می آیند یا نمی آیند این است که هنوز مشخص نیست شورای نگهبان چه مواجههای خواهد داشت و کدام مدل یا تجربه مدّ نظر است.

بر اساس مدل یا تجربهٔ ۱۴۰۰ نامزد اصلی عملاً از پیش مشخص شده و هر که قابلیت رقابت با او را دارد حذف می‌شود؛ همان کاری که با علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری و مسعود پزشکیان در سال ۱۴۰۰ شد در حالی که اولی سه دوره پیاپی رییس سه دوره مجلس شورای اسلامی بوده و دومی پیش‌تر به عنوان نامزد در انتخابات حضور داشت و همان موقع هم معاون اول رییس جمهوری بود و سومی در انتخابات سرد اسفند گذشته اعتماد مردم تبریز را جلب کرد. در سال های ۹۲ و ۹۶ اما اضلاع درون حاکمیت – منهای طیف احمدی‌نژاد – اجازه یافتند رقابت کنند.

ثبت نام در این دوره با تمام ۴۵ سال جمهوری اسلامی متفاوت است. چون هنوز یک هفته از جان باختن رییس جمهوری نمی گذرد و کسی از قبل خیز برنداشته بود زیرا دست‌کم تا ۱۴۰۴ او را رییس جمهوری می‌دانستند منتها قانون اساسی مهلت ۵۰ روزه تعیین کرده و جای درنگ نیست.

در دوره‌های قبل نامزدهای بالقوه از پیش مشخص بودند و بحث تنها بر سر نوع مواجههشورای نگهبان بود؛ نهادی که در قانون اساسی برای تشخیص مغایرت نداشتن مصوبات مجلس (عرف) با شرع و قانون اساسی پیش‌بینی و تعبیه شده ولی عملا به فاز انتخاباتی تغییر شیفت داده و متولی انتخابات شده و حتی بر نام سه رییس جمهوری سابق قلم قرمز می‌کشد ولو یکی از بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی باشد (هاشمی رفسنجانی) و دومی برکشیدهخود اصولگرایان (احمدی‌نژاد) یا سومی (حسن روحانی) را حتی برای کاندیداتوری خبرگان صالح ندانند ولو ۸ سال رییس جمهوری و چند دوره عضو همین خبرگان بوده باشد.

اگر پیشاپیش نمی‌توان حدس زد به این خاطر است که مشخص نیست ارادهغالب بر ادامهمسیری است که از ۹۸ شروع شد و در ۱۴۰۰ به وضوح خود را نشان داد یا نرخ بالای مشارکت و جبران مدنظر است؟

این احتمال اما قوی است که حضور گسترده در مراسم تشییع پیکر مرحوم رییسی باور به فرضیهاول را تقویت کرده باشد و اگر گزینه‌ای شبیه به او یافت شود دیگران حذف شوند مگر دو سه نفری که به عنوان رقیب صوری به ناچار باید باشند.

مادام که عنوان نخست‌وزیر حذف نشده و ریاست دولت با او بود و به استثنای دورهاول (۵۸) بر سر ریاست جمهوری توافق می‌شد و رقابت را به مجلس و بر سر نخست‌وزیر می‌کشاندند. در سال ۶۸ و در فضای بعد از فقدان امام خمینی و توافق و اجماع بر سر هاشمی رفسنجانی هم عملا مجال رقابت نبود. از ۷۲ اما اوضاع تغییر کرد.

تصور هاشمی این بود که احمد توکلی می‌خواهد همان نقش رجب‌علی طاهری را بازی کند که حتی در حوزهانتخابیه خود هم فراموش شده بود اما نامزد ریاست جمهوری شد و دیگری (جاسبی) هم نیروی هاشمی به حساب می آمد چندان که در نماز جمعه گفت: "امروز نوه‌ام قهر کرد و گفت اصلا من به آقای جاسبی رای می‌دهم!" طعنه‌ای که آشکارا رای به رقیب را علامت نابالغی می‌دانست.

احمد توکلی اما فراتر از نقش تعریف شده یا مورد انتظار ظاهر شد و کردها هم در رویکردی متفاوت و بی آن که تمایل خاصی به او داشته باشند مخالفت خود با روند جاری را با رای به توکلی ابراز داشتند و این گونه بود که آرای رییس جمهور وقت به نسبت دورهقبل ریزش کرد.

در سال ۷۶ بنا داشتند به روال سابق بازگردند و بر سر ناطق نوری اجماع نسبی بدون مشارکت دادن جریان محذوف چپ شکل گرفت و مهندس موسوی هم با فشار کنار رفت و بیم داشت رو به انتشار تصاویر دوران ماقبل حجاب همسرش هم بیاورند.

در این فضا سر و کلهٔ سید محمد خاتمی که پیدا شد استقبال کردند چرا که گمان می‌رفت تنها تنور را گرم می کند اما نان خودشان طبخ می شود و به هر حال به رقیبی برای ناطق نوری نیاز بود اما بازی تغییر کرد و خاتمی با ۲۰ میلیون رای مشهور رییس جمهور شد.

۴ سال بعد بر خلاف دوره‌های قبل و پس از آن انواع کاندیداها را تایید کردند تا شاید هر کدام بتواند یک میلیون رای از رییس جمهور/ کاندیدا کم کند اما به عکس این بار با ۲۲ میلیون انتخاب شد.

در سال ۸۴ باز تلاش شد به فرمول اجماع پیشاپیش بازگردند و بر سر علی لاریجانی توافق شد اما قالیباف و احمدی‌نژاد زیر بار نرفتند و هاشمی هم که دید چنین است کاندیدا شد و اگرچه در مرحله اول رای بیشتر به دست آورد اما در مرحلهدوم اتفاق دیگری افتاد و احمدی‌نژاد رییس جمهور شد.

اگر در ۷۲ احمد توکلی می‌خواست بازی را بر هم بزند و در ۷۶ و ۸۰ خاتمی و در ۸۴ احمدی‌نژاد، سال ۸۸ نه باد که توفان شد و هنوز به قدری در خاطره‌ها مانده که نشستن هفتهٔ قبلِ احمدی‌نژاد بر صندلی شمارهٔ ۸۸ افتتاحیهٔ مجلس خبرگان رهبری هم خبرساز شد.

با رفتاری که از او در دو سال آخر سر زد نیاز به نامزدی بود که مسیر را به عقلانیت بازگرداند و ساختار نفس بگیرد و حسن روحانی رییس جمهوری شد. کیهان هم نوشت او اصول‌گراست منتها فاصله گرفت و در ۹۶ حاضر نشد کنار برود تا ابراهیم رییسی بی‌درد سر رییس جمهور شود و رقابتی شکل گرفت که به همه‌پرسی می‌مانست.

ترامپ و کرونا و داعش اما مسیر را تغییر دادند و باز از ۱۴۰۰ قرار شد بر سر یکی توافق شود و حال که ناباورانه داس اجل او را از صحنهٔ سیاست حذف کرده و دیگری باید بر این صندلی بنشیند سه سناریو متصور است: اول تکرار مدل ۱۴۰۰ با یک رییسی دیگر و تبلیغ و تمرکز بر او و حضور رقابی که تهدیدی تلقی نشوند.

دوم رقابت درون اردوگاه اصول‌گرایان و اصطلاحا "چناری‌ها" با "پاچناری‌ها" یا متن اصول‌گرایی با پایداری و شریان و مصاف. سومی اما بازگشت به فضای رقابتی واقعی است. به همین خاطر فضای انتخابات از همان روز اول ثبت‌نام‌ها شکل می‌گیرد. بر خلاف دوره‌های قبل که ثبت نام چهره‌های اصلی به روز و گاهی دقایق آخر می‌کشید.

اگر فرمول رییسی مدنظر باشد بزرگ‌ترین مشکل این است که مقدمات لازم برای معرفی جانشین او فراهم نیامده. فراموش نکنیم مرحوم رییسی ناگهان وارد گود سیاست نشد. یک چند تولیت آستان قدس را بر عهده داشت و به جامعه معرفی شد و با همین پشتوانه وارد رقابت ۹۶ و بعد رییس قوه قضاییه و با دادگاه های فساد اقتصادی به عنوان قهرمان مبارزه با فساد و با این دو به میدان بی رقیب ۱۴۰۰ پاگذاشت.

اگر نامزدی با این پشتوانه یافت نشود اجرای آن سناریو ممکن نیست یا دشوار است. اگر فضا را به رقابت درون اردوگاه بکشانند هم در مناظره‌ها شاهد افشاگری خواهیم بود حال آن که "بگم‌بگم"ها هزینه داشته و به فضای عاطفی و انسجامیِ بعد از فقدان رییسی آسیب می‌رساند. اگر هم بهَ رقابت/افشا بازگردیم عملا مجال بهره‌برداری از سرمایهٔ اجتماعی تشییع جنازه‌ها را از دست داده‌اند.

به عکس آنچه تصور می‌شود سرنوشت رییس جمهور فقید به جای این که سیاسیون را ملاحظه کار کند به این واقعیت بیشتر توجه داده که سیب سیاست هزار چرخ می‌خورد و دورِ فلک درنگ ندارد و باید شتاب کنند چون شاید دیگر چنین فرصتی فراچنگ نیاید.

انگیزهٔ دیگر هم این است که ببینند پروندهٔ آنان در نظام چگونه است و برخی که با شایبه‌ها و شایعه‌های مالی روبه‌رویند نه به قصد تصاحب این کرسی که برای این بررسی یا اعلام عمومی آن به صحنه می‌آیند و تایید صلاحیت برای آنان به منزلهٔ پاسخ به شایعات است.

جز چهره‌های مایوس از ساز و کار انتخاباتی یا نومید از بازگشت اکثریت مردم پای صندوق رأی، دیگران دلیلی برای از دست دادن این فرصت ندارند چون چیزی را از دست نمی‌دهند. اگر تایید شوند کافی است برای جلب اقشار خاکستری علیه اجبار و طرح های پلیسی حجاب موضع بگیرند و اگر هم تأیید نشوند تازه بر سرمایه‌اجتماعی‌شان افزوده می‌شود.

اگرچه در تاریخ جمهوری اسلامی اول بار نیست که انتخاباتی زودتر از پایان قانونی یک دوره برگزار می‌شود و قبل‌تر هم سه بار اتفاق افتاده اما این یکی بسیار متفاوت است چرا که قرار بود با مرحوم ابراهیم رییسی مسیر دیگری طی شود.

پارادوکس قضیه در این است که از یک طرف تشییع‌های پرجمعیت اعتماد به نفسِ استمرارِ همان مسیر (اکتفا به نامزد یا نامزدهایَ معدودِ و محدود با امید به حضور هواداران) را افزایش داده تا جایی که محمد جواد لاریجانی فاتحانه در تلویزیون گفت "با این همه جمعیت در تشییع شهید رییسی حالا باید پرسید چه کسی می گفت دولتِ اقلیت" و از جانب دیگر این نگرانی هم وجودِ دارد چنانچه استمرار آن روش موجب برگزاری سرد انتخابات در ۸ تیر شود آن اندوختهٔ اجتماعی از کف برود و حضور انبوه به حساب مواجههٔ عاطفی –احساسی با یک تراژدی گذاشته شود و به کار بهره‌برداری سیاسی نیاید.

محمود احمدی نژاد آماده کاندیداتوری در انتخابات ۱۴۰۳؛

«قطعا کوتاهی نمی کنم»

سرویس سیاسی –درحال حاضر بنده درحال بررسی هستم، شما هم دعا کنید آنچه صلاح مردم و کشور است رخ بدهد و این خادم کوچک هم بتواند بهترین تصمیم را به نفع کشور بگیرد.

رئیس جمهور سابق، اظهارات جدیدی درباره کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری مطرح کرد. دومین فیلم از احمدی نژاد درباره کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم منتشر شد.

محمود احمدی‌نژاد در این فیلم می گوید: بنده دلم پر از عشق به همه مردم ایران است و هر زمان برای خدمت به مردم و کشور و آرمان‌ها و ارزش های انسانی کاری از دستم برآید، قطعا کوتاهی نخواهم کرد اما همه جوانب باید سنجیده شود.

وی گفت: بالاخره شرایط کشور چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ خارجی شرایط ویژه ای است و من هم فقط نفع و مصلحت مردم و کشور را در نظر میگیرم، درحال حاضر بنده درحال بررسی هستم، شما هم دعا کنید آنچه صلاح مردم و کشور است رخ بدهد و این خادم کوچک هم بتواند بهترین تصمیم را به نفع کشور بگیرد.

مهاجرت به جامعه خلبان ها هم رسید!

سرویس سیاسی – بر مبنای اطلاعات موجود، فقط ۴۷ خلبان از یک ایرلاین بخش خصوصی و ۶۴ خلبان از ایرلاین اصلی ایران–ایران‌ایر–به دلیل کاهش میزان دریافتی و برابری آن با قدرت خرید ریال و البته مشکلات دیگری که در این حوزه وجود دارد حالا به کشورهای دیگر مهاجرت کرده و با هواپیماهای عمدتاً کم‌کارکرد و نو فعالیت می کنند. مشکلات معیشتی دیگر تنها مربوط به قشر محروم جامعه نیست. از پزشک و پرستار بگیر تا مهندس و معلم همه و همه با مشکلات معیشتی مواجه شدند و در این بین، جامعه خلبانی هم نتوانست از این قاعده مستثنی بماند. یکی از چالش‌هایی که از سال ۱۳۹۶ کشور ما با آن مواجه شده، افزایش آمار مهاجرت است. این روند البته با پاندمی کرونا بسیار کاهش پیدا کرد و دلیل آن هم وجود قوانین سخت‌گیرانه در بسیاری از کشورها برای پذیرش افراد خارجی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی و درمانی بود. اگر نگاهی به آمار ترجمه مدارک در دارالترجمه‌های رسمی کشور بیندازیم و پای صحبت افراد فعال در این صنف بنشینیم، متوجه می‌شویم که دقیقاً از شروع پاندمی کرونا به‌یکباره آمار درخواست ترجمه مدارک به طرز چشمگیری پایین آمد؛ در حالی که قبل از آن از ابتدای سال ۹۶ تا اواخر سال ۹۹ هنگامی که هنوز کشورها اقدام به بستن مرزهای خود نکرده بودند این روند افزایشی به بیش از دو برابر آمار نسبت به سال‌های قبل از ۱۳۹۶ رسیده بود. اما این روند دوباره برعکس شد و حالا هم طبق آمارهای رسمی مهاجرت ایرانیان به بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. اولین چالش ایران در زمینه مهاجرت همیشه مربوط به نخبگان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده است؛ افرادی که از دانشگاه‌هایی مانند شریف و امیرکبیر و... فارغ‌التحصیل می‌شدند و به جای ماندن در کشور رفتن را ترجیح می‌دادند. اما این ترجیح چیزی نبود که بدون وجود دلایل بیرونی از قبیل مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اتفاق بیفتد. در گذشته، بیشتر دانشجویانی که بعد از تمام شدن درس و دانشگاه اقدام به مهاجرت می‌کردند کسانی بودند که یا شغلی در زمینه رشته تحصیلی خود پیدا نمی‌کردند یا برای رسیدن به رویاها و اهداف‌شان شرایط اجتماعی و اقتصادی را در کشور فراهم نمی‌دیدند و... اما بعد از پاندمی کرونا، به‌یکباره موج مهاجرت از ایران افزایش چشمگیری پیدا کرد و دیگر مختص دانشجویان و نخبگان نبود. این بار موج مهاجرت به جامعه پزشکی و پرستاری رسید و حتی در دو سال اخیر جامعه کارگری هم با موج مهاجرت کارگران به کشورهای همسایه مواجه شد. مساله اینجاست که آن‌قدر این سیل مهاجرت در کشور به‌یکباره افزایش پیدا کرد که حتی بسیاری از کارشناسان در حوزه بهداشت و درمان قویاً هشدار می‌دادند خروج این تعداد پزشک و پرستار از کشور می‌تواند سیستم بهداشت و درمان را دچار مشکل کند. چندی پیش فیلمی در فضای مجازی دست به دست می‌شد که نشان می‌داد یک تیم ۶نفره جراحی در یکی از بیمارستان‌های کشور عمان همگی از پزشکان و متخصصان ایرانی بودند. یعنی ما به همین سادگی سرمایه‌های اجتماعی خود را از دست می‌دهیم. روند صعودی مهاجرت از کشور اگر کنترل نشود به‌زودی با مشکلات جدی‌تری مواجه می‌شویم. بر اساس آمارهای رسمی منتشرشده در رسانه‌های کشور، در سال ۱۴۰۱ بیش از ۶هزار و ۵۰۰پزشک و متخصص از کشور مهاجرت کرده‌اند. طبق همین آمار، بیش از دو هزار و ۳۰۰ نفر از این افراد پزشک متخصص بوده‌اند. همچنین در سال ۱۴۰۲ نیز بیش از چهار هزار و ۵۰۰ پزشک از کشور خارج شده‌اند. این در حالی است که آمار مهاجرت‌ها ۳۰ درصد بیشتر از آمار ورودی‌ها به دانشگاه‌های علوم پزشکی است. مساله اینجاست که به گفته بسیاری از کارشناسان این حوزه، بی‌توجهی به معیشت پزشکان، کمبود تجهیزات پزشکی، بی‌توجهی به تعرفه‌های پزشکی همه دلایلی است که باعث شده این میزان پزشک طی دو سال از کشور بروند؛ البته مسئولان حوزه بهداشت و درمان بر این باور بودند که می‌توانند جای خالی این پزشکان را مانند سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ با آوردن پزشکانی از کشورهای همسایه جبران کنند اما...

به گفته مهرداد الستی، پزشک اورژانس، اگر نگاهی به وضعیت درآمدی پزشکان در کشور خودمان و کشورهای همسایه بیندازیم متوجه می‌شویم حتی پزشکان پاکستانی که زمانی بسیار مشتاق طبابت در ایران بودند دیگر حاضر نیستند با این میزان دستمزدهای اندک راهی ایران شوند. بیش از همه مهاجرت پرستاران در یک سال اخیر به مساله‌ای جدی برای مسئولان حوزه بهداشت و درمان تبدیل شده است. بعد از پایان یافتن کرونا و بدعهدی‌های وزارت بهداشت در مورد استخدام پرستاران با قراردادهای ۸۹روزه و عدم پرداخت به‌موقع حقوق و مزایای این افراد به‌یکباره موج مهاجرت‌ها افزایش پیدا کرد. تا جایی که مسئولان حوزه بهداشت و درمان تصمیم گرفتند با وضع قوانین جدید مانع از مهاجرت پرستاران به کشورهای دیگر شوند. محمد شریفی مقدم می‌گوید: «وقتی پرستار اینجا مجبور است در قبال ماهانه ۲ میلیون تومان ۱۲۰ ساعت اضافه‌کار اجباری بگذراند و در نهایت هم با کار کردن در چند شیفت مختلف باز هم در تامین معاش خود دچار مشکل باشد راه دیگری جز مهاجرت برایش باقی نمی‌ماند.» شریفی مقدم می‌گوید: «کشور عمان در حال حاضر حقوقی که به پرستاران پرداخت می‌کند ۶ برابر حقوقی است که پرستاران ایرانی دریافت می‌کنند.» در حالی که هر روز وضع معیشتی کارگران نسبت به روز قبل بدتر می‌شود و مساله افزایش حقوق و دستمزد هم به یک نگرانی عمده برای آنها تبدیل شده و در دو سال گذشته دولت به‌تنهایی در مورد شرایط مزدی کارگران تصمیم‌گیری کرده، شاید به نظر برسد مهاجرت در جامعه کارگری با توجه به درآمدی که دارند مساله‌ای غیرقابل باور است اما آمارها خلاف این مساله را ثابت می‌کنند. علی ترابی، فعال کارگری، می‌گوید: «در حال حاضر یک کارگر ساده در امارات حدود هزار و ۵۰۰ تا دو هزار دلار دستمزد دریافت می‌کند، در عربستان این مبلغ بین هزار تا هزار و ۲۰۰ دلار، در عمان ۸۰۰ دلار و در ترکیه ۶۰۰ تا ۸۰۰ دلار است. این در حالی است که درآمد یک کارگر در ایران به کمتر از ۲۰۰ دلار می‌رسد.» او ادامه می‌دهد: «با این اوصاف، بدون شک کارگران ترجیح می‌دهند به دلیل مشکلات مالی و ناتوانی از مهاجرت خانوادگی و رفتن به کشورهای دورتر، رنج تنهایی را به جان بخرند و به خاطر اینکه بتوانند معیشت خانواده خود را تامین کنند برای کار و دریافت دستمزد عادلانه به کشورهای همسایه بروند.» این فعال کارگری توضیح می‌دهد: «متاسفانه در دو سال گذشته بی‌توجهی به نیروی کار از سوی وزارت کار و رفاه اجتماعی به عادت تبدیل شده و همین هم مهم‌ترین عاملی است که باعث می‌شود کشور نیروی کار توانمند خود را از دست بدهد. تا زمانی که وضع معیشت کارگران درست نشود ما نمی‌توانیم توقع داشته باشیم تولید و اقتصاد در کشور رونق بگیرد.» از زمانی که ارزش پول ملی کاهش پیدا کرد زندگی بسیاری از افرادی که تا قبل از آن می‌توانستند طعم رفاه نسبی را در زندگی خودَ بچشند مزه تلخ نداری گرفت. دیگر قشر متوسط هم به سبب همین پایین آمدن ارزش پول ملی و تورم لجام‌گسیخته در جامعه کم‌کم به جامعه زیر خط فقر پیوستند و خط تازه‌ای به نام فقر مطلق نیز متولد شد. حالا مشکلات معیشتی تنها مربوط به قشر محروم جامعه نیست. از پزشک و پرستار بگیر تا مهندس و معلم همه و همه با مشکلات معیشتی مواجه شدند و در این بین جامعه خلبانی هم نتوانست از این قاعده مستثنی بماند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد با توجه به نرخ دلار در بازار آزاد ایران، میانگین دریافتی یک خلبان در ایرلاین‌های ایرانی پیش از شدت گرفتن تحریم‌ها در سال ۱۳۹۶ چیزی حدود هشت هزار دلار بوده که این رقم حالا به کم‌وبیش هزار دلار کاهش پیدا کرده است؛ در حالی که میانگین پرداختی به خلبان‌ها در ایرلاین‌های کشورهای منطقه حتی با توجه به سابقه پروازی به ۱۴ هزار دلار نیز می‌رسد. عدد ۱۴ هزار دلار میانگین پرداختی به خلبانان حالا در صورت برابری با ریال به رقم نجومی افزایش پیدا می‌کند که نقطه مشوق خلبان‌های باتجربه ایرانی و نیروی انسانی ارزشمندی است که به‌راحتی و به دلیل مشکلات ریز و درشت صنعت هوایی ایران از دست می‌رود. بر مبنای اطلاعات موجود، فقط ۴۷ خلبان از یک ایرلاین بخش خصوصی و ۶۴ خلبان از ایرلاین اصلی ایران–ایران‌ایر–به دلیل کاهش میزان دریافتی و برابری آن با قدرت خرید ریال و البته مشکلات دیگری که در این حوزه وجود دارد حالا در کشورهای دیگر و با هواپیماهای عمدتاً کم‌کارکرد و نو فعالیت می‌کنند. امان‌الله قرایی، جامعه‌شناس، درباره دلایل مهاجرت می‌گوید: «مهاجرت عموماً به دلیل عوامل دافعه کشور مبدأ و جاذبه کشور مقصد صورت می‌گیرد، مشکلات اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین عوامل دافعه ایران طی چند سال اخیر است. ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم افراد تحصیل‌کرده و نخبه، جامعه پزشکی و حتی کارگران که چرخ تولید کشور را می‌چرخانند با نداشتن حداقل‌ها هم کنار بیایند و در جایی بمانند و ادامه دهند که هیچ چشم‌انداز روشنی برای آینده خود نمی‌توانند تصور کنند.»

صنایع چوب
حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲۰